

آشنایی با بیانوا و اماکن جغرافیایی قرآن



◇ مقدمه

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می فرماید:

قل سیروافی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین ^(۱)

و بگو ای پیامبر در روی زمین بگردید و از حال امم گذشته جويا شوید و در عاقبت سخت آنها که تکذیب آیات خدا و رسولان او کردند با دقت نظر کنید ^(۲)

قرآن کریم دریائی ژرف و موج بی کران از علم و دانش است و کسی را توان غور و بررسی در انتهای این اقیانوس بی کران را ندارد و خداوند به بندگانش خطاب می فرماید (وما اوتینم من العلم الا قلیلاً) ^(۳) به درستی که کتاب آسمانی ما قرآنی منبع و سرچشمه تهذیب و تربیت است و در عین حال نقطه مرکزی علوم می باشد و خداوند متعال علم همه چیز را در آن قرار داده و مسلمین در طول تاریخ به تحقیق و تدوین علوم مختلف قرآن همچون (گیاه شناسی، تاریخ، نجوم و جغرافیا) پرداخته اند.

قرآن کریم از زمین و هفت آسمان و عرش و کرسی سخن گفته است، که همه آنها عناصر مهمی از جهان شناسی اسلام را تشکیل می دهد در پی نگرش مسلمین به قرآن کریم از زاویه علم جغرافیا بواسطه تأکیدات قرآن کریم مبنی بر گردش در زمین و بحث و تفحص در آفاق و انفس و عبرت از پایان کار تکذیب کنندگان و گردش در بلاد و سرزمین ها؛ آثار جغرافیائی مسلمین شکل گرفت و کتاب های خوبی نوشته شد. اما فعالیتی که جغرافیا را از اغلب موضوعات دیگر متمایز می سازد این است که در این علم تمامی توجه به بررسی و تفسیر نواحی مخصوص جهان متمرکز می گردد بررسی اماکن جغرافیائی که حوادث و سرگذشت های درس آموز قرآن در آنها رخ داده، شناخت جدید و بهتری از آیات قرآن کریم به ما ارائه می کند؛ بر این اساس ما به ذکر نواحی و اماکن جغرافیائی مذکور در قرآن به ترتیب حروف الفبا پرداخته ایم که امید است مورد توجه خوانندگان

جغرافیة قرآن

قرار گیرد.

◇ احقاف:

در جزء بیست و ششم قرآن کریم با سوره احقاف روبرو می‌شویم که در آیه ۲۱ همان سوره نام احقاف آمده است.

«وَاذْكُرْ اخَاهَا إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»^(۳)
ترجمه: «و برادر هاد (هود پیشمبر) را به یاد بیاور که چون قوم خود را در احقاف بیم داد. و پیش از او پیامبرانی بودند در فتنه و پس از او پیامبرانی آمدند که مردم را دعوت کردند به اینکه جز خدای یکتا را نپرستید و از عذاب روز بزرگ قیامت بپسناک باشید.»^(۴)

◇ معانی لغوی:

حقف بر وزن حبر، تپه‌ای مستطیل شکل است و حقف به معنای تپه ریگی نیز آمده است. پیچ و خم‌دار، ریگزار میان همان و حضر موت، جمع آن احقاف است.^(۵)

◇ معنای اصطلاحی:

احقاف به معنی ریگستان‌ها مکانی در جنوب عربستان در «حضر موت» یا «ریح الغالی و دهنا» عبدالله بن عباس گوید «احقاف نام وادی است میان همان و مهره» مقاتل گوید: «منازل هاد در حضر موت در یمن بود در جایی که آن را مهره گویند، که اشتران نیکو را به آنجا نسبت می‌دهند ضحاک گوید: «احقاف نام کوهی است به شام» مجاهد گوید «نام زمینی است که آن را حسمی در شمال غربی عربستان گویند و در معجم البلدان آمده است که نام قریه‌ای در شام است و به نظر می‌رسد که این قول نزدیکتر است به قول کسی که آن را کوهی در شام گرفته است.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نوشته است: «کلمه احقاف نام سرزمینی است که قوم هاد در آن زندگی کرده‌اند و آنچه یقین به نظر می‌رسد این است که این سرزمین در جنوب جزیره العرب بوده ولی اکنون هیچ اثری از آن قوم در آنجا باقی نمانده. و در اینکه احقاف در چه نقطه‌ای از جنوب واقع شده اختلاف است. بعضی گفته‌اند در بیابانی بین همان و مهره بوده است.»

بعضی گفته‌اند «ماسه‌های لب دریای قریه شحر است. شحر محلی در سرزمین یمن است.»^(۶)
رشید رضا می‌گوید: «احقاف تپه‌های ریگی میان همان و حضر موت در یمن بود.

به علت فساد آنها در زمین، خداوند با قهر و غضب خود آنها را نابود کرده است»^(۸)
آیت الله طالقانی در «پرتوی از قرآن» چنین می نویسد: «آنچه در قاموس کتاب مقدس
تالیف (مسترهاکس) با استناد به کتاب عهدین از وضع سرزمین ادومیه (ادوم) و احوال
نشانی های آن قوم ذکر شده است با بعضی از مطالبی که در آیات قرآن درباره قوم عاد
آمده، تطبیق می نماید. که همان موفسکات (توبه ۷۰) است. لفظ «ادویه» در زمان عبرانی
«ادوم» است. حدود جنوبی آن از بحر المیت تا خلیج عقبه و غرب آن از وادی عربیه تا
صحرای شمالی عربستان است که در مشرق آن واقع شده است.

ادوم بالا؛ دارای کوهستان بسیار ناهمواری است که بزرگترین قله آن سه هزارگام ارتفاع
دارد، و در ضمن این سلسله کوه های آهکی مرز صحرای عربستان است، دامنه تپه های
آهکی آن، از طرف غرب به بیابان عربیه منتهی می گردد رشته کوه های میانین آن از سنگ
سماق است که ریگ های سنگی روی آن را پوشیده و تپه های سرایشب و وادی های گودی
را بوجود آورد است، خلاصه قرائن و شواهد (آیات ۳۸ عنکبوت) و (۲۸ شمرا) و تورات
دلاله دارد که عاد باید همان «ادوم» باشد که موطن اصلی آنها کوهستان های قسمت های
شمالی عربستان بوده و دامنه های این کوه ها به سوی شمال و شرق و غرب امتداد یافته
است و مرکز آنها همان «پترا» (عربستان سنگی) بوده که آثار ساختمان های باشکوه آن
هنوز باقی است.^(۹)

در قرن اول (میلادی پترا) زیر حمایت رومیان که برای ایمنی از خطر حمله پارتیان آنجا
را حائل قلمرو خویش کرده بودند به اوج ثروت و رفاه رسید؛ پترا در دل صخره هاست و
از هر سو؛ صخره های سر به فلک کشیده آن را در میان گرفته اند. و عبور از آن آسان نیست
و رودی شهر از یک تنگنای پرپیچ و خم می گذرد. از نهر اردن تا قلب عربستان؛ تنها نقطه ای که
در آنجا آب نه فقط فراوان است بلکه بوضع فریبنده ای زلال نیز هست «پتراست». عربیان
جنوب که با کاروان های خویش به سوی شمال می رفتند در اینجا شتران و نغمه گران تازه
نفس می گرفتند.

علاوه بر موقعیت بازرگانی، پترا نیز بتکده ای داشت که چند بت در آنجا بود و آنها را
پرستش می کردند. آثار شگفت انگیز پترا سیاحت گران را به خود جلب می کرد و برای دولت
اردن یکی از منابع مهم درآمد به شمار می آمد. در دو قرن اول پس از مسیح، پترا موقعیت
ممتاز خود را از دست داد و سبب آن بود که دریانوردان رومی در راه دریایی هند بیشتر
شدند و راه کاروانی از شرق به غرب به تدریج به طرف منطقه شمالی که مرکز «آن تومر»

بود تغییر یافت. (عربستان سنگی) پترا؛ به مرور ویران شد و در قلمرو و امپراطوری روم قرار گرفت و به نام ولایت عرب (پروونسیا اریبیا) ^(۱۱) معروف شد. ^(۱۲)

◇ موقعیت جغرافیائی

سرزمین احقاف در روزگاری آباد و خرم بود، و قوم عاد که مردمی جبار بودند در آنجا زندگی می کردند و هود پیامبر به امداد آنان آمد و اهل آنجا بدان حضرت ایمان نیاوردند و به قهر الهی گرفتار شدند و امروز هیچ اثری از آن قوم باقی نمانده است.

اصطخری می گوید «حضر موت در شرق عدن نزدیک دریاست و در آنجا ریگ ها بسیار است که آن را احقاف خوانند و شهر کوچکی نیز در آن است، نواحی بسیار دارد و قبر هود پیامبر آنجا قرار دارد و نزدیک آن چاهی است که آن را «برهوت» گویند و هیچ کس به قعر آن چاه نرسیده است» ^(۱۳) «حضر موت مرکز احقاف است که در میان شنزار و دور از ساحل افتاده. آباد و پر جمعیت است و مردمش به دانش و کار تمایل دارند، ولی آزمند و حریص هستند.» ^(۱۴) «عدن مرکز احقاف شهری کوچک بر کنار دریا و معدن مروارید است که به حدود حبشه پیوسته است» ^(۱۵)

احقاف ناحیه ای که در آنجا به جز شن زار چیزی نیست چنانکه خداوند تعالی می فرماید (آن باد بر هر چه درگذرد آن را می پوشاند) ^(۱۶) تنها شهر آن، حضر موت؛ ولایتی است مشهور؛ از اقلیم دوم هوایش گرم و از دیار عمان محسوب می شد. از طرف مشرق به دریا و از سمت مغرب به بادیه العرب و از جهت جنوب به ولایت یمن و از جانب شمال به عمان محدود می شد. و مشتمل بر بلاد قدیمه و نواحی بزرگ بود، سکنه اش قوم عرب و عموماً شافعی و تمدادی از پیروان خوارج بودند ^(۱۷) «اکنون احقاف بیابانی خشک و غیر مسکونی است.

و السلام

پی نوشتها:

۱. سوره انعام آیه ۱۰
۲. سوره طه آیه ۵۹
۳. سوره اسراء آیه ۵۸
۴. احقاف آیه ۲۱
۵. همان (عبدالحمید آیتی)، ۵۰۶
۶. قرشی، ۱۵۸/۲
۷. طباطبائی، ۳۴۱/۸
۸. رشید رضا، ۴۹۵/۸
۹. آیت الله طالقانی، جزء سی ام هاکس، ۲۷
۱۰. Provincinleriga
۱۱. حتی، ۹۲
۱۲. اصطخری (مسالك و ممالک)، ۲۷
۱۳. حدود العالم، ۱۶۸
۱۴. مقدسی، ۱۰۰
۱۵. ذاریات، ۴۲
۱۶. یاقوت، ۱۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی